

اشکها و لبخندها در ناپل

تهمینه حدادی

تبدیل به یک دایرةالمعارف چندجانبه می‌شود و مخاطبان را با ادبیات، تاریخ، جغرافیا، هنر و سنت‌های این کشور آشنا می‌کند.

با ناشر ترجمه جدیدتر تماس می‌گیرم به این امید که هم نسخه بی‌نقصی از کتاب گیر بیورم، هم با مترجم صحبتی بکنم و هم به متن اصلی دسترسی پیدا کنم. اما تماس‌های مکرر من به نتیجه‌ای نمی‌رسد و یک‌گوش ناشر در است و دیگری دروازه!!! تا متن اصلی نباشد، نمی‌توان به طور قطع درباره صحت ترجمه‌ها قضاوت کرد؛ با این حال در این بی‌امکانی و طبق حدسی که

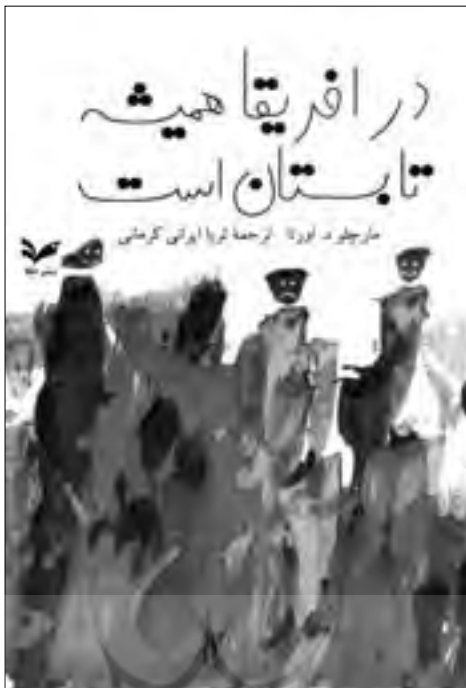
می‌شود زد، به نظر می‌رسد کتاب دوم به دستور زبان فارسی بیشتر پایبند است و موفق به ارائه مترادف‌های مناسب برای واژه‌های ایتالیایی شده و غلط‌های املائی و انشائی ترجمه اول را ندارد. برعکس، در ترجمه اول غلط‌های املائی انشاهای بچه‌ها ترجمه شده و شلختگی نوشته‌هایشان حفظ شده است.

با این حال در ترجمه اول، نثرهای شکسته انشاهای شبیه هم‌اند و این ظن به وجود می‌آید که انگار معلم به بچه‌ها تقلب رسانده یا تمام انشاهای خود را بازنویسی کرده و به آن‌ها رنگ و بویی واحد داده است. و ترجمه جدیدتر اگرچه حذف و اضافاتی دارد که موجب می‌شود شیرینی ترجمه اول را نداشته باشد، از این نظر قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد:

«من کاری را که من می‌خواهم کرد، وقتی بزرگ شدم، یک کار نیست؛ خلیبه؛ می‌خواهم جوشکار شوم، حللی‌ساز، دست‌فروش.» (وقتی بزرگ شدم، دوست داری چه کاره شوی؟/ ترجمه اول)

«من؟ شغل؟ چه شغلی را می‌خواهم تمرین کنم وقتی که بزرگ شدم؟ فقط یکی نیست، خیلی شغل‌های دیگر هم هست، من می‌خواهم جوشکار شوم، دست‌فروش شوم، حللی‌ساز شوم» (برای وقتی که بزرگ شدم، چه شغلی را دوست داری تمرین کنی؟/ ترجمه جدید)

در آفریقا همیشه... برای گروه سنی خاصی منتشر نشده است. البته بیشتر نوجوانان است تا کودکان. چون بسیاری از دغدغه‌های نویسندگان نامه‌ها و اصطلاحات به کار رفته برای کودکان ایرانی قابل درک نیست. اما واقعیت این است که کتاب بیشتر به درد بزرگترها می‌خورد، به درد نویسندگانی که از سبک و سیاق و جملات کوتاه به کار رفته می‌توانند نکته بیاموزند و الهام بگیرند؛ به درد آن‌هایی که با کودکان سر و کار دارند و نیازمند این هستند که بفهمند چه قدر دنیای کودکان دنیا، دردها، شادی‌ها و حقارت‌هایشان شبیه هم است.



در آفریقا همیشه مرداد است. مارچلو د اورتو. ترجمه حمید زرگرباشی. تهران: آنا، ۱۳۷۶.

در آفریقا همیشه تابستان است. مارچلو د اورتو. ترجمه ثریا ایرانی کرمانی. تهران: الکا و قصیده‌سرا، ۱۳۸۶.

اگر دو کتاب بگذارند جلوی‌تان و نام یکی‌شان در آفریقا همیشه مرداد است باشد و نام دیگری در آفریقا همیشه تابستان است، کدام را انتخاب می‌کنید؟

نویسنده یکی است، موضوعات و اتفاق‌ها هم یکی است، فقط ترجمه‌ها فرق دارند. نام اصلی کتاب *In Afrika ist immer August* است و من بیشتر کنجکاوم بدانم که چرا در آفریقا همیشه مرداد است؟ همین دلیل کوچک باعث می‌شود کتاب اول را بخوانم و دومی را در مقام مقایسه با آن در نظر داشته باشم.

دو ترجمه مختلف با ده سال فاصله. وقتی ترجمه جدیدتر را دستم می‌گیرم، توقع دارم بخش‌هایی از کتاب اصلی حذف شده باشد. بنابراین سراغ یکی از بخش‌های «مسئله‌دار» کتاب می‌روم: «در کاراواتوره به خاطر هر گ... همدیگر را می‌کشند. پلیسی که باید سوت بزند، چون کسی از چراغ قرمز گذشته، این کار را نمی‌کند، انگار که هیچ چیز ندیده، اگر ببیند، او را می‌کشند. این پلیس عموی خودم است.»

در آفریقا همیشه... مجموعه انشاهای کودکان دبستان‌های ناپل است که توسط معلم‌شان، مارچلو د اورتو جمع‌آوری و منتشر شده است. ترجمه قدیمی‌تر مقدمه‌ای دارد به قلم حمید زرگرباشی و مقدمه ثریا ایرانی و داور تا هم قرار است در کتاب جدیدتر باشد؛ اما با ورق زدن کتاب، با صفحه‌های یکی در میان سفید روبه‌رو می‌شوم و دلم می‌سوزد به حال علاقه‌مندانی مثل من که کتابی نصیبشان شده که از مرحله نظارت کیفی سر به‌زیر بیرون آمده است!

ناپل فقیر است، در حالی که ایتالیا غنی است. ناپل درگیر مافیا و اعتیاد است و دانش‌آموزان تمام واقعیت‌های زندگی‌شان را بازگو کرده‌اند و این واقعیت‌ها آن قدر در تخریب دولت در سال ۱۹۹۰ نقش داشته که گردآورنده کتاب از کار اخراج شده است.

کودکان در این کتاب از هر موضوعی نوشته‌اند؛ موضوعاتی که ما گاه فراموش می‌کنیم کودکانمان درباره آن‌ها حتی بیشتر از ما می‌دانند: زن، سفر، رنج و شادی، علم، جنگ، اعتیاد، تجاوز، نفرت... و این تنها دلیل موفقیت کتاب نیست. کتاب خارج از مرزهای ایتالیا